



المپیک، دکتر نوبخت و نقش تاریخی او در ورزش ایران

بودجه‌ای قابل توجه به یاری ورزش کشور شتافت؛ او بر اعتبار کمیته ملی المپیک و عظمت آن افزوده است. راه اندازی موزه کمیته ملی المپیک از صفر تا صد، افزایش تعاملات بین‌المللی سازنده و مؤثر، بهسازی آکادمی ملی المپیک، کمک‌های ویژه، منظم و مستمر به فدراسیون‌های ورزشی و تأمین بودجه کاروان‌های ورزشی ایران در رویدادها و مسابقات با کمک و مساعدت نوبخت علیرغم تحریم‌های کمرشکن و بی‌سابقه از شاهکارهای صالحی‌امیری در دوران مدیریت بر کمیته ملی المپیک بوده است.

شاید فدراسیون‌های ورزشی هرگز به این حد اعتباراتی از کمیته المپیک نگرفته باشند که در زمان ایشان به اوج رسیده است؛ حالا المپیک کرونازده توکیو که یک سال به تعویق افتاده همه برنامه‌های عالی صالحی‌امیری را تحت تأثیر قرار داده و در صورتی که المپیک برگزار شود، ورزشکارانی که به علت کووید ۱۹ نتوانسته‌اند به آمادگی جسمانی و فنی برسند قطعاً نتایج آنها در صورت نامطلوب بودن نمی‌تواند یک امتیاز منفی برای وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک محسوب شود! این المپیک ویروس زده هیچ مقصری ندارد، المپیکی که باز هم دکتر محمدباقر نوبخت با رایزنی و درخواست صالحی‌امیری همه امکانات و تدارکات آن را به خوبی و با بودجه‌ای عالی فراهم آورده است.

فرد بعدی که بودجه ورزش کشور را به حد اعلا ارتقا داد، دکتر سلطانی فر است که او نیز با مساعدت و همکاری نوبخت در شرایط سخت تحریم و ویروس کرونا و در حالی که فروش نفت کشور تقریباً به صفر رسیده است این کار را انجام داد؛ سلطانی فرو صالحی‌امیری با تدبیر و صد البته مساعدت ویژه دکتر نوبخت بودجه ورزش را به شکل رویایی افزایش دادند و این همدلی و تعاون و همکاری در ورزش به دو دلیل در تاریخ ورزش رخ داده است که هرگز پیش از این نه تنها نبوده که فقط اختلاف ورزش را احاطه کرده بود و دلیل موفقیت مذکور در سایه همکاری و همدلی وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک رخ داد و تنها دوره‌ای در تاریخ ورزش ایران است که وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک با همت متولیان خود در اتحاد با هم به‌سر می‌برند و دلیل دیگر این موفقیت دکتر نوبخت است.

دکتر سلطانی‌فر با توجه به محدودیت‌های اعتباری ناشی از تحریم‌های ظالمانه اقتصادی، تهدید برخی از فدراسیون‌های جهانی، ویروس کرونا در کل بدون در نظر گرفتن هیاهو و جنجال آفرینی‌های فوتبال عملکردی مثبت در مدیریت ورزش کشور و رشد شاخص‌های توسعه ورزش قهرمانی، همگانی، روستایی و زنان و به‌ویژه توسعه عمرانی ورزش و تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام و پروژه‌های مهم و اساسی در سطح کشور داشته است. این خیانت به کل ورزش کشور و رشته‌های ورزشی است اگر فکر کنیم پرسپولیس و استقلال یعنی ورزش کشور! امپراتوری رسانه‌ای مافیای فوتبال به گونه‌ای عمل می‌کند که هرگاه حال و هوای این دو تیم سوگلی در پایتخت خوب نبود، وزیر ورزش را مورد آماج حملات قرار داده و دستاوردهای بی‌نظیر ورزش را در حاشیه قرار می‌دهند و البته و خوشبختانه سلطانی‌فر با شجاعت و استقامت و اتخاذ تدابیری عالی روند خصوصی‌سازی این دو باشگاه را نیز به خوبی مدیریت و هدایت کرده است. وی همچنین با از خودگذشتگی در موضوع مجمع فدراسیون فوتبال تصمیمی تاریخی و ماندگار در تاریخ ورزش کشور گرفته که نقل و تحلیل آن فرصتی دیگر می‌طلبد. همانطور که برخی افراد تنوریک دانشگاهی حرکت قطار کمیته ملی المپیک را کند کرده‌اند در وزارت ورزش نیز در بیشتر مواقع ترمز این قطار بی‌جهت و بدون دلیل به وسیله معاون توسعه منابع و مدیریت او کشیده می‌شود و وزیر پرتلاش را از رسیدن به آرمانشهر ورزشی‌اش باز می‌دارد. در پایان باید در تاریخ ورزش کشور بابت افزایش بودجه کمیته ملی المپیک از کیومرث هاشمی و صالحی‌امیری و در وزارت ورزش و جوانان از سلطانی‌فر همواره به نیکی یاد کرد و حمایت‌های بی‌دریغ، بی‌نظیر و تاریخی دکتر محمدباقر نوبخت (معاون گیلانی رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه) را در تاریخ ورزش کشور همیشه با قدرشناسی به خاطر سپرد.

را با رایزنی‌هایش و با دوستانش که در نقش اسپانسر ظاهر شده بودند، فراهم کرده بود. برخی از نتایج کشتی در المپیک لندن نیز در بیرون از تشک کشتی رقم خورد که این مورد هرگز در ورزش ما مورد بررسی قرار نگرفته است. در دولت دهم نیز در بودجه‌ای که انکای بالایی به نفت داشت، علیرغم اوج گرفتن قیمت نفت، دولت بر اعتبارات ورزشی و نیز اعتبارات کمیته ملی المپیک و افزایش آنان چندان اهمیتی نداد. در آستانه المپیک ریودوژانیرو مجلس به مدیران توانمندی چون دکتر صالحی‌امیری و دکتر سید نصرالله سجادی رأی اعتماد نداد و دولت ناگهان و پس از رایزنی‌های مختلف فردی را برای تصدی پست وزارت معرفی کرد که فقط راه دانشگاه را می‌شناخت و راه هیچ عمارت اداری و اجرایی را در سی سال گذشته طی نکرده بود.

مجلس به این ضعیف‌ترین گزینه رأی اعتماد داد تا سکان عمارت ورزشی در خیابان ستول را در دست بگیرد؛ حالا او باید المپیک ریو را با کمک کمیته ملی المپیک تجربه کند. چندی نگذشته بود که او با کیومرث هاشمی رئیس کمیته ملی المپیک درافتاد و فرمان هجوم به کمیته ملی المپیک را صادر کرد. کیومرث هاشمی مرد زحمتکش و بی‌ادعا در آستانه المپیک علیرغم فشارهای زیاد بردباری پیشه کرد و با یک تیم قوی در المپیک و بخشی از کارشناسان و معاونین وزارت ورزش از جمله دکتر سیدمناف هاشمی و دکتر سجادی برنامه‌ها را به خوبی پیش می‌برد ولی آنچه نگران‌کننده بود هجوم و ستیز تاریخی عمارت ورزشی به کمیته ملی المپیک همچون چند دهه گذشته با اختلاف عمیق بین وزیر ورزش و رئیس کمیته ملی المپیک در آستانه المپیک ریو ادامه داشت.

اولین مردی که به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی روی آورد و تقاضای کمک و مساعدت برای ورزش کشور را کرد، کیومرث هاشمی بود. او با دکتر نوبخت جلسات متعدد داشت و سرانجام در یک جلسه با حضور رؤسای فدراسیون‌های ورزشی در دفتر دکتر نوبخت (معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی) اهمیت رویداد المپیک را تشریح کرد و دکتر نوبخت در حالی که تحریم‌های کمرشکن، کشور را در تنگنای اقتصادی و سیاسی قرار داده و نفت به بشکه‌ای ۲۰ دلار رسیده بود، اعتبارات کمیته ملی المپیک را به‌طور ویژه در نظر گرفته و علاوه بر تخصیص ۱۰۰ درصد تمام تلاش خود را به کار برد تا با اختصاص اعتبارات ویژه بر اعتبار کاروان ایران در میدان المپیک ریو بیفزاید. کاروان المپیک در ریو با پشتیبانی کامل و بدون نقص سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و دستورات ویژه و تاریخی دکتر نوبخت نتایج درخشانی کسب کرد و نوبخت پس از موفقیت ایران در المپیک ریو به‌طور انفجاری بودجه وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک را افزایش چشمگیری داد.

از تاریخ ۱۹۴۸ که ایران در المپیک برای اولین بار شرکت کرد تا المپیک ریو سابقه این همه کمک به کمیته ملی المپیک هرگز وجود نداشته و این کار فقط به همت و تلاش دکتر نوبخت و پیگیری‌های کیومرث هاشمی و تیم او بود. برای اولین بار در تاریخ ورزش کشور کلیه ورزشکاران المپیکی ما با پروازهای مناسب و سطح بی‌زینس کلاس به المپیک رفتند تا هرگز فرقی بین آنها و مسئولین احساس نشود در حالی که در کلیه المپیک‌های قبلی فقط مسئولین با صندلی بی‌زینس کلاس راهی المپیک می‌شدند. شاهکار دکتر نوبخت و مدیریت کیومرث هاشمی و تیم او به‌ویژه دکتر رحیمی سرپرست کاروان، شاید در هیچ کشوری از شرکت‌کنندگان المپیک هرگز در تاریخ نمونه‌ای نداشته است.

پس از کیومرث هاشمی اصول‌گرا که موفق عمل کرده بود، مرد دیگری سکان المپیک ایران را به دست گرفت که هم وزیر بود و هم دارای برنامه‌های کلان؛ دکتر صالحی‌امیری، مردی که یک فرصت تاریخی و بلایی برای کمیته ملی المپیک است؛ رایزنی‌های ویژه او با دکتر نوبخت، جهشی ۵ برابری نسبت به قبل در بودجه نهاد المپیکی کشور بنیان نهاد و در زمان کسب آمادگی برای المپیک توکیو با اختصاص

دکتر علی افتخاری

Dr. Ali Eftekhari

مردی که عادت داشت از طبقه چهارم ساختمان کمیته ملی المپیک در خیابان گاندی یک نفر کیفش را به طبقه همکف بیاورد و راننده آماده‌باش وظیفه باز کردن در عقب ماشین را برای رئیس داشت همان شخصی است که از دانشگاه به عمارت المپیک آورده شده بود تا کرسی طلایی IOC را از ورزش ایران بگیرد و صدمه‌ای ویرانگرانه به ورزش ما در عرصه بین‌الملل وارد کند. بجز چند خبرنگار و دلسوزان عرصه ورزشی هرگز همکاران دانشگاهی رئیس کمیته ملی المپیک این کار عمدی او را محکوم نکردند. البته خود در جایی گفته بود که عمدی نیست، اطلاعی از اهمیت کرسی IOC نداشته است؛ مدعیانی که در فرگ تحصیلات تکمیلی را به پایان رسانیده ولی در میادین بین‌المللی ورزشی توان تکلم به زبان انگلیسی را هم ندارند.

شاید بتوان او را بدشانس‌ترین رئیس کمیته در تاریخ المپیک ایران دانست. او از طرفی با رئیس عمارت ورزش در تضاد فکری و حزبی بود و در دولتی گرفتار شده بود که سازمان برنامه و بودجه را منحل و اهمیتی نه تنها به کمیته ملی المپیک که به کل ورزش هم نمی‌داد؛ در حالی که نفت بشکه‌ای حدود ۱۵۰ دلار در دولت احمدی‌نژاد به اوج تاریخی رسیده بود ولی تدارکات المپیک پکن به لحاظ تخصیص بودجه کفاف میدان بزرگ المپیک را نمی‌داد؛ علاوه بر کمبود اعتبارات به مقیاس و وسعت ورزش، ضعف در مدیریت نیز موجب شد که المپیک پکن یکی از کمرنگ‌ترین المپیک‌ها در تاریخ ورزش ما باشد!

قبل از آغاز المپیک ۲۰۰۸ پکن دکتر احمدی‌نژاد و عوامل او در تشکیلات ورزش با وعده‌های کمک‌های مالی نوید یک المپیک خوب را به جامعه ورزش داده بودند. از قرائن مشخص بود که هیچ همفکری و تعادلی بین سازمان تربیت بدنی وقت و کمیته ملی المپیک وجود نداشت و هرگز نمی‌توان بر روی حرف‌های رئیس دولتی حساب باز کرد که ورزش برایش در اولویت هیچ قرار داشت! رئیس کمیته ملی المپیک و دست‌اندرکاران مالی کمیته هر روز در عمارت ۹ طبقه سازمان منحل و برچیده شده برنامه و بودجه به دنبال بودجه‌ای بودند که در نهایت بی‌تدبیری آن هم در سال المپیک در نظر گرفته شده بود. رئیس کمیته ملی المپیک با خیالی راحت به جلساتی می‌رفت که نتیجه آن هیچ بود. به هر حالت یک تیم قوی متشکل از کادر سرپرستی به همراه کاروان وارد پکن شدند و المپیک آغاز شد. از آنجا که کاروان ورزشی ایران از تدارکات کافی قبل از المپیک برخوردار نبود و وعده‌های داده شده در حد انتظار آن هم برای میدان مهم و بزرگی همچون المپیک عملی نشده بود، کاروان المپیک ایران در حسرت مدال ماند تا با گرفتن فقط دو مدال، ضعیف‌ترین المپیک را پشت سر بگذارد! در این المپیک همه «ضعیف‌ها» صف‌آرایی کرده بودند، رئیس کمیته ملی المپیک ضعیف‌ترین فرد در تاریخ المپیک ایران، ضعیف‌ترین سفیر ایران در پکن در تاریخ المپیک‌ها و ضعیف‌ترین نتایج تاریخ و صد البته سازمان برنامه و بودجه ضعیف و فروپاشیده‌ای که هرگز نتوانست پشتیبان خوبی برای المپیک باشد.

در المپیک لندن با توجه به اختلاف عمیق بین وزیر ورزش و رئیس کمیته ملی المپیک با حضور فردی باتجربه و کاربلد به نام افشارزاده نتایج درخشانی کسب شد که بخشی از نتایج در بیرون از میدان ورزش رقم خورد. با ابتکار و تدبیر افشارزاده در جذب اسپانسرهای قوی و به‌یادماندنی.... او از تجربه نیم قرن حضور در ورزش کشور به خوبی و درستی در المپیک لندن استفاده کرد و با اعتبار خود با بودجه‌ای کم چشمانی به بیرون از سازمان برنامه و بودجه منحل و فروپاشیده دوخته بود؛ البته مرحوم حجت‌الله خطیب سرپرست فدراسیون کشتی نیز تقریباً کل مخارج کشتی ایران در المپیک لندن